

## شهیده سیده معصومه رفاهی



سامانه جامع سرداران و دختر شهید استان بوئهران

سید اسماعیل	نام پدر
۱۳۶۰	تاریخ تولد
بوشهر - بوشهر	محل تولد
۱۳۶۸/۱۱/۲۲	تاریخ شهادت
بوشهر	محل شهادت
-	مسئولیت
بسیجی	نوع عضویت
دانش آموز	شغل
	تحصیلات
بوشهر	مدفن

## زندگینامه

جلیق جلیق گهواره

بهار شصت بود. به جای آواز شادی و شیدایی پرندگان و گنجشکان، نوای سهمگین ناله و شیون برخی خانهها، فضا را پر کرده بود؛ نالههایی که در سوگ فراق عزیزانشان سر میدادند و موجب قطور شدن کتاب «تاریخ ناجوانمردانهترین جنگ» میگشتند. از برخی دیگر نیز، صدای گریه و زاری کودکان به گوش میرسید که آمده بودند تا از عمق این سهمگینها بکاهند و فضا را لطیف و لطیفتر سازند.

دلمان سرشار از غم و اندوه بانویی بود که بار سنگین مصیبت کربلا، قامت نستوهش را خم کرده بود. با چشمانی اشکبار فریاد میزدیم: «در بهار آزادی جای امام و شهدا خالی» و دیگر شعارهایی که سینههای پر دردمان را کمی التیام میداد. گویی گدازههای آتش بود که از سینهها به سمت دشمن پرتاب میشد. جنگ و ویرانیها، یتیمی و بیخانمانیها، ویرانی و آوارگیها، هیچ کدام اراده، ایمان و اعتقاد مردم را سست نکرده بود. تا چشم کار میکرد، آدم آمده بود. پس از مدتی راهپیمایی، همه به در ورزشگاه رسیده بودیم، اما هنوز درها را باز نکرده بودند، بیرون ورزشگاه، جمعیت از شلوغی موج میزد و هیچ راه حرکت و تنفسی وجود نداشت. همین باعث شد درها را که باز کردند سیل خروشان جمعیت با شتاب فراوان به سمت در، هجومی بیامان ببرند؛ سیلی که موجهای آن با هر مد خویش تعدادی را به زیر دست و پای خود فرو میبردند و معصومه را نیز در زیر دست و پای خود، له کرد و به شهادت رساند.



سامانہ جامع سرداران و دھڑ شمیم استان بوٹھر